

جلسه پنجم اعتقادات

«توحید- انواع معرفت خداوند»

۱- توصیه به سالکین الی الله

«أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسول الله وآله اجمعين، لا سيما على بقية الله روحى وأرواح العالمين لتراب مقدمه الفداء واللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين»

امروز مطلبی را می خواهم به عرض آقایان محترم و بانوان محترمه عرض کنم که خیلی اهمیت دارد؛ شاید روشنگر مسیرمان به سوی حق و حقیقت باشد. حدوداً شاید بیشتر از

۱۵ سال است که جمعی از دوستان، راه تزکیه‌ی نفس را با این ترتیبی که همه اطلاع دارید با یکدیگر در حرکت هستیم. البته جمعی از دوستان بحمدالله توفیقات بسیار خوبی به دست آورده‌اند و شاید به مرحله‌ی ولیّ خدا به معنای عامش نه به معنای خاصّ و نه به معنای خاصّ‌الخاص رسیده‌اند. تجربه برای ما ثابت کرده که این راه با این ترتیب که دقیقاً طبق آیات و روایات زیادی هست بسیار راه خوب و سهل‌الوصول برای رسیدن به لقاء پروردگار است. ولی اکثریت که گاهگاهی برخورد می‌کنم، می‌بینم متأسفانه خوب نتوانسته‌اند این راه را حرکت کنند. لذا در ماه مبارک رمضان به فکر این افتادم که یکی مسأله‌ی اعتقادی دوستان را با آن‌ها کار کنم و بعد هم مسایل تزکیه‌ی نفس و مراحل تزکیه‌ی نفس را عمیقاً و جدّاً با

دوستان عزیزم همکاری کنم و مانند یک کاروانی که به مقصدی دست جمعی حرکت کرده‌اند، قدم به قدم به سوی خدا برویم و معارف حقّه را جدّاً و تحقیقاً از قرآن مجید با همان کلیدی که روز اوّل این جلسه عرض کردم، موفق شویم. لذا من مطلبی که می‌خواهم عرض کنم و تقریباً شبیه به اعلامیه است برای عموم، نه عموم مردم، بلکه عموم دوستانی که در راه تزکیه‌ی نفس هستند در هر کجا هستند، می‌خواهم عرض کنم همه‌مان با هم، دسته جمعی بیاییم قدم‌هایی به طرف خدا برداریم. این یکی از مسایل زندگی‌مان را جدّی بگیریم و مثل سایر مسایل زندگی‌مان با مسامحه با آن روبه‌رو نشویم. چون دنیا و آخرت، عالم برزخ و قیامت، راحتی آن‌ها و بلکه سلامت روح انسان بستگی به همین مسأله دارد. شما

همه‌تان باید تصوّر کنید که یک قافله بسیار بزرگ از نظر معنوی؛ از نظر تعداد همین عدّه‌ای که هستید به کارهای مختلف دنیوی کاری نداشته باشید و اگر هم در امور مختلف از قبیل تجارت، سیاست و مسایل مختلف هستید، در حاشیه قرارش بدهید و مسأله‌ی دینتان، معارفتان، کمالاتتان و تزکیه‌ی نفستان را در متن قرار بدهید.

چیزی که در ماه مبارک رمضان فکر می‌کردم این بود که اکثراً دوستان در عقایدشان سستند. ما به گمان آن که کسی که می‌آید برای تزکیه‌ی نفس حتماً مسایل اعتقادی‌ش درست است و تقریباً شیعیان پنجاه درصد اصول اعتقادی‌شان به خاطر مذهب‌شان، به خاطر آن که در دامن پدر و مادر شیعه رشد کرده‌اند، در جلسات عزاداری ابی‌عبدالله‌الحسین

علیه السلام نشسته اند و معارف برای آن ها گفته شده، پنجاه درصد درست است. ولی گاهی و نه گاهی بلکه بیشتر اوقات اکثر دوستان که سستند در پیشرفت کارها و در مراحلشان سست حرکت می کنند، تحقیق کرده ام مربوط به عقایدشان است. اگر آن طوری که در این دو سه هفته من درباره ی صفات پروردگار چند جمله ای گفته ام در جلسات قبل هم گفته می شد شاید همه متوجه وجود پروردگار در وجود خودشان در تمام جاها که «مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَ رَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ»^۱ می شدند و رفتن به سوی خدا برایشان بسیار آسان بود؛ بلکه جدی تر بودند.

۱- «مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَ رَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ» مفتاح الفلاح، ۳۶۷.

من در سفر کربلا که مشرف شده بودم در ماه محرم گذشته وقتی آمدم به شما گفتم که یک هدیه برایتان آورده‌ام و آن جدی بودن در همه چیز و همه کار و دوستان هم بالاخص بعضی جدی گرفته‌اند و درک کرده‌اند که چه می‌گوییم. اما در این جا من خودم احساس کردم که من هم باید جدی باشم. و لذا، یک دوره اصول اعتقادات را برایتان خیلی واضح و سطحی؛ چون شناختن خدا خیلی مشکل در یک معنا که به وسیله‌ی درس و تدریس، تقریباً محال است بیان شود.

ولی آنچه که ممکن است بیان شود، همان چیزهایی است که پروردگار متعال خودش در قرآن فرموده و ما هم باید معتقد باشیم که خدا باید خودش، خودش را معرفی کند که علی

علیه السلام می فرماید: «یا مَنْ دَلَّهٗ ذَاتُهُ بِذَاتِهِ»^۲ خدا باید خودش را خودش معرفی کند.

۲- معرفت عام پروردگار

یک معرفی عام است؛ همه ی مردم دنیا باید تا آن حدّ خدا را بشناسند از راه استدلال، دلایل علمی و عقلی که در زیر سایه ی قرآن کریم آمده، این حدّ و این اندازه از شناختن، شناختن عام است.

درست است که مذاهب دیگر غیر از شیعه خدا را آن طور که باید نمی شناسد ولی این را عرض کنم که اگر عقبش بروند،

۲- بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۲۴۹.

همه‌ی مسیحی‌ها، همه‌ی یهودی‌ها، تمام مذاهب مختلف دیگر، معرفت عام پروردگار را که از لسان خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام بیان شده، ممکن است درک کنند. و لذا کتاب‌های مختلفی هم در این ارتباط نوشته‌اند و آن خدایی را که ائمه‌ی شیعه معرفی فرموده‌اند حتّی غیر مسلمان‌ها هم در کتب‌شان معرفی کرده‌اند. مثلاً کتابی است به نام «اثبات وجود خدا» که چهل نفر از دانشمندان غیر مسلمان، از راه نظم عجیب عالم و مسایل علمی خدا را اثبات کرده‌اند؛ و کتاب‌های دیگر هم در این راستا نوشته شده که نمی‌خواهم حالا برای تان شرح بدهم ولی معرفت عام صحیح که در کلمات خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام هست که یک نمونه از آن معرفت را و از آن

شناخت را در کتاب توحید مفضل اکثرتان خواندید و گرفتید و مطالعه کردید، این را معرفت عام می‌گویند. همه‌ی مردم می‌توانند این گونه خدا را بشناسند و همه‌ی مردم حتی مردم نیشابوری که در زمان علی بن موسی الرضا علیه السلام بودند و در اطراف آن حضرت جمع شدند حضرت کلمه‌ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را که از لسان پروردگار فرمود، «حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ فِي حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»، - البته یک جمله اضافه کرد- «بِشَرْطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»^۳ یعنی آن طوری که ما تعلیم می‌دهیم، شما باید وحدت خدا و توحید پروردگار را بشناسید و همه هم قبول کردند؛ حالا در میان این‌ها عباسی بود، سنی

۳- عوالي اللالی، ج ۴، ص ۹۴.

بود، شیعه شاید بسیار کم بود همه فهمیدند که شناختن پروردگار از لسان ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام که آن‌ها آگاه‌ترین مردم روی کره‌ی زمین هستند در شناختن پروردگار یاد گرفتند، قبول کردند، نقل کردند و بعد هم معتقد شدند. پس، می‌بینید که یک معرفت عامی است که از ناحیه‌ی ائمه‌ علیهم‌السلام پخش شده و این معرفت عام را همه‌ی افراد می‌توانند کسب کنند.

۳- معرفت خاص پروردگار

اما یک معرفت خاص و معرفت خاصّ الخاص است که معرفت خاص با تزکیه‌ی نفس و پاک شدن دل به وجود می‌آید. از طریق استدلالات عقلی و استدلالات نقلی شاید

صحیح به دست نیاید. باید انسان خودش را پاک کند، ظرف دلش را کاملاً تمیز کند، بعد آن ظرف دل را در مقابل پروردگارش قرار بدهد تا آنچه از حکمت ممکن است در آن قلب بریزد؛ که آن معرفت، معرفت واقعی پروردگار است و این معرفت است که معرفت خاص است. برای افراد خاص، برای کسانی که اهل گناه نباشند، اهل معصیت نباشند، برای کسانی که بتوانند قدم‌هایی به سوی خدا بردارند که ان شاء الله اکثر شماها از همین قبیل هستید.

۴- معرفت خاص الخاص پروردگار

ولی یک معرفت خاص الخاص است. آن معرفت خاص الخاص مخصوص پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه‌ی

اطهار علیهم السلام است. شاید بعضی از انبیاء اولوالعزم هم دارا باشند. این معرفت خاص الخاص آن قدر اهمیت دارد که ما باید به سوی آن معرفت برویم شاید در قیامت و بهشت نصیبمان بشود. شاید قبصی از آن خورشید تابانی که در قلب ائمه‌ی اطهار علیهم السلام هست نصیب ما بگردد.

لذا خدای تعالی در قرآن مجید می‌فرماید: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ»^۴ هر چه که شماها و غیر مسلمان‌ها و تمام مردم دنیا خدا را وصف کنید، حتّی با توصیف معرفت عام پروردگار؛ حالا یک اشاره‌ایی می‌کنم که چطور حتّی با توصیف عام پروردگار هم همین است، منزّه است خدا از آنچه که همه

۴- سوره صافات، آیه ۱۵۹.

وصفش کنند، هر کس وصفش کند، «إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ»^۵
مگر بندگان پاک شده، آن‌هایی که خدای تعالی درباره‌شان
فرموده: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۶ آن‌هایی که معصوم هستند، آن‌هایی که
پاکند، آن‌هایی که عصمت از جهل حتّی دارند که - در
بحث‌های گذشته توضیح دادم - آن‌هایی که خاصّ‌الخاص
هستند، آن‌ها می‌توانند خدا را وصف کنند و شماها هم باید
پیرو آن‌ها باشید، یعنی در همان راه حرکت کنید. شناخت
شما خدا را با استدلالات علمی و عقلی و نقلی و آیات و
روایات غلط نیست چون شیعه هستید، پیرو مخلصین

۵- سوره صافات، آیه ۱۶۰.

۶- سوره احزاب، آیه ۳۳.

هستید، اما اگر یک مقدار این معرفت را ما بازش کنیم، می بینیم توهین به پروردگار است، از باب مثال شاید مثالم را هم شنیده باشید، باز عرض می کنم. از باب مثال اگر یک مهندسی به تنهایی بتواند یک سفینه ی فضا نورد درست کند و به فضا بفرستد بدون آن که هیچ گونه مشکلی پیدا کند یک چنین قدرتی داشته باشد. شما یک روز رفتید به منزلش، می بینید یک بادبادکی برای طفلش درست کرده است. شما اگر گفتید: این مهندس آنقدر قدرت دارد که می تواند بادبادک درست کند، به او توهین کردید. آقا این مهندس کسی است که به تنهایی سفینه ی فضا نورد درست کرده، به فضا فرستاده، تو این طوری توصیفش می کنی. حالا بیاییم درباره ی پروردگار و توصیفات عاممان، همان طوری که

خدای همان طوری که آن مهندس را گفتید: بادبادک ساز است درست است او ساخته، او داده به فرزندش، ولی در عین حال به او توهین است، همین طور اگر ما گفتیم: خدا آن کسی است که این آسمان ها و کهکشان ها و زمین و مخلوق را خلق کرده، چون تمام مخلوق در مقابل خالق مثل صفر است در مقابل بی نهایت، تمام آنچه که خدا اظهار قدرت کرده درباره ی خلقت ماسوی الله حتی، محدود است و هر چه خلق کرده محدود است و حتّی از آن بادبادک هم کمتر است در مقابل قدرت بی نهایتش، در مقابل عظمت بی نهایتش، در مقابل علم بی نهایتش این محدود است. ولی درست است او خلق کرده است، خودش از همین راه وارد شده و مردم را به سوی معرفت خودش دعوت کرده است، شما نمی توانید

بفهمید که سفینه‌ی فضا‌نورد یعنی چه؟ آن مهندس چه کرده است؟ به شما می‌گوید: من آن کسی هستم که این بادبادک را خلق کردم، ایجاد کردم، تا شما را به طرف خودش دعوت کند، و وقتی که رسیدید ان شاءالله به آن مقامی که فهمیده‌اید مثل فهمی که نسبت به آن مهندس دارید، فهمیدید که سفینه‌ی فضا‌نورد یعنی چه؟ این چه خاصیتی دارد؟ این چه کار می‌کند؟ چقدر قدرت لازم دارد؟ وقتی به آن جا رسیدید آن وقت به شما آن سفینه‌ی فضا‌نورد و کارش را بیان می‌کند، وقتی که ما ان شاءالله از همین راه رفتیم، به جایی رسیدیم که عقلمان عقل مافوق شد، فهممان فهم مافوق شد، ما با آن افرادی که به مقام معرفت خاصّ الخاص رسیده‌اند با آن‌ها هماهنگ شدیم، در کنار آن‌ها بودیم، با آن‌ها زندگی کردیم، که

در زیارت جامعه می‌گوییم: «مَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ»^۷ با شما باشیم، همیشه با شما باشیم، رشد کنیم، به کمالات برسیم، شاید میلیون‌ها سال روح بشر لازم داشته باشد تا از شناخت این بادبادکی که خدا خلق کرده است، این آسمان و زمینی که خدای تعالی خلق کرده به جایی برسیم که بفهمیم خدا یعنی چه؟ وصف پروردگار چگونه است؟ خدا چگونه باید توصیف شود؟ و چگونه باید با پروردگار ارتباط برقرار کرد؟

۷- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۵- نشانه‌های عدم معرفت به خدا

ما هر جا که وارد مجلسی می‌شویم احتمال می‌دهیم یک زنی آن جا باشد یک «یا الله» می‌گوییم، وقتی که در یک جایی می‌خواهیم خودمان را نشان بدهیم به جایی این که خودمان را نشان بدهیم اسم خودمان را ببریم «یا الله» می‌گوییم، می‌خواهیم از خدا طلب رحمت خاص‌الخاص را برای پیغمبر و آلش بکنیم، صلوات می‌فرستیم تا مثلاً فرض کنید فلانی استراحت کند، راحت باشد، قرآن می‌خوانیم تا مردم جمع بشوند، مجلس برپا بشود، قرآن می‌خوانیم برای اینکه مرده‌مان که از دنیا رفته یک مقداری آرام بگیرد و حال آن که بیشتر ناراحتش می‌کنیم؛ این است که ما خدا را نشناختیم. باید یک مقدار عقب استادمان برویم.

۶- مربی انسان در عالم ارواح

استاد ما حجة بن الحسن علیه السلام است. این استادی است که در عالم ارواح در سر کلاس آنچه باید به ما بگوید گفته و ما فراموش کرده ایم. این استادی است که خدا را حقیقتاً به ما معرفی کرده است. لذا روزی که از ما پرسید خود خدای تعالی، شاید می خواست به ما بفهماند که آیا ما درس مان را خوب خوانده ایم یا نه؟ «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» آیا من مربی شما نیستم؟ من رب شما نیستم؟ اگر شاگردی استادش را شناسد، اگر معلمش را شناسد و درسی به او نداده باشد، می گوید: من شما را نمی شناسم، همه مان گفتیم: «بلی». شناختیم خدا را، این استاد به ما یاد داد. همه مان گفتیم:

«بَلَى»، یعنی خدایا تو را ما می‌شناسیم، آن طور که لازم است می‌شناسیم، بلکه ای گفتیم که خدا هم قبول کرد، «بَلَى»، «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» با کلمه‌ی رب هم بیان کرده، یعنی من مربّی شما نبودم؟! من شما را تربیت نکردم؟! درست است سر کلاس شما ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام بودند اما به دستور من بوده، مدیر مدرسه من بودم، آن‌ها معلّمین بودند، پس «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ»؟ همه گفتیم: «بَلَى»^۸ پس چرا امروز به بستر لا خفتی؟ به قول مرحوم شیخ بهایی:

در روز الست بلی گفتی

امروز به بستر لا خفتی؟

۸- سوره اعراف، آیه ۱۷۲.

چرا همه را فراموش کردی؟ انبیاء و تمام اولیاء آمده‌اند که شما را از خواب بیدار کنند به شما همان جمله‌ی اوّل را گوشزد کنند.

۷- معنای ربوبیت خداوند

یکی از اسماء پروردگار که من تصمیم داشتم امروز درباره‌ی این اسم شریف و پر عظمت صحبت کنم، مسئله‌ی ربّ است، ربوبیت پروردگار است. در سوره‌ی حمد وقتی که شروع می‌کنید بعد از درس هفته‌ی گذشته که «الرحمن الرحیم» بود ببینید می‌گویید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ»^۹ خدا ربّ همه‌ی عوالم وجود است، همه را او تربیت کرده است، همه را او ساخته است. چرا پس بعضی زندیق هستند؟ بعضی کافر هستند؟ بعضی مشرک هستند؟ یکی از سخنگوها را دیدم که می‌گفت: همه تحت تربیت پروردگار هستند و همه به جای خود درست هستند، - یک جمله‌ای را این جا انداخته بودند و آن جمله این است که خدا همه را خوب تربیت کرده، همه را خوب ساخته، همه از کلاس‌های خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام که خارج شدند، همه خوب بودند، امّا بعدها خراب شدند، هر کسی یک راهی را رفت، هر کسی به یک طریقی حرکت کرد، حتّی

۹- سوره حمد، آیه ۱-۲.

ایشان می گفت: شیطان هم در جای خودش خوب است ولی ما پرونده‌ی شیطان را ورق می‌زنیم، شیطان اسمش شیطان نیست، اصل اسمش «حارث» و بعد به خاطر این که مردم را به کارهای بد و خوب مشتبه کرد، ابلیس شد و چون موذی است و اذیت کن است و مردم را از راه حق دور می‌کند، شیطان شد. حالا شیطان، همان ابلیس، این شخص را پرونده‌اش را ورق می‌زنیم. خدا وقتی خلقش کرد، این در میان ملائکه مشغول عبادت بود؛ خود ما هم همین طور هستیم، در سنین خردسالی، در وقت شیرخوارگی نه شرارتی داریم، نه حسادتی داریم، نه بخلی داریم، نه کفری داریم، بعضی می‌گویند: چشم‌ها هم باز است و حقایق را می‌بیند، ولی بعدها در میان ملائکه عبادت کرد، آن قدر هم عبادتش ارزش

داشت که وقتی که به خدا عرض کرد: «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ
يَبْعَثُونَ»^{۱۰} خدای من را مهلت بده تا روز قیامت؛ شما هر چه
این دعا را بکنید، روزی صد مرتبه هم این دعا را بکنید خدا
اجابت نمی کند اما او را اجابت کرد در مقابل اعمالش،
عباداتش، «أَنْبَى لَا أَضِيعُ عَمَلٍ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى»
^{۱۱} خدا عمل کسی را ضایع نمی کند، اما یک دفعه شیطان؛ من
اسم شیطان را می برم برای این که خودمان هم تطبیق می کنیم
با راه و روش او، یک دفعه در اثر یک تکبّر، یک خودخواهی،
یک نگاه کردن به لباس و بدن، یک نگاه کردن به ظاهر و
غافل شدن از معنویت، ببینید دارد به ما نزدیک می شود، یک

۱۰- سوره حجر، آیه ۳۶.

۱۱- سوره آل عمران، آیه ۱۹۵.

نگاه کردن به ثروت و غافل شدن از امراض روحی، همه‌ی این‌ها با شیطان تطبیق می‌کند، گفت که «خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»^{۱۲} او از خاک است من از آتش هستم، من حرارت دارم، حرکت دارم، می‌سوزانم، ولی او چه کار می‌تواند بکند؟ خاک است. نرفت روی روحیات. نکند ما هم مثل شیطان حرکت کنیم. من یک شبی به یکی از دوستان از نزدیکان گفتم: یک یک این آقایانی که اهل تزکیه‌ی نفس هستند، همان سست‌هایشان، همان کم‌فعالیت‌هایشان برای من ارزشش از چه بگویم، حتی مقایسه کردن با قدرتمندترین شخصیت‌های دنیایی که فقط دنیا را متوجّه است، که اکثر و

۱۲- سوره اعراف، آیه ۱۲.

بلکه همه‌ی ممالک دنیا امروز این طور هستند، بگذارید از مملکت ما که بحمدالله انقلابی شد و وضعی پیدا کرده است؛ تمام دنیا شما بروید نگاه کنید، از همه‌ی این‌ها، همه‌ی این قدرت‌ها، قدرتمندها برای من ارزششان بیشتر است، چرا؟ به جهت اینکه من به قدرتشان نگاه نمی‌کنم، ثروتشان نگاه نمی‌کنم، من به موقعیت و نام و نشانشان نگاه نمی‌کنم؛ به تقواشان نگاه می‌کنم که خدای تعالی در قرآن مجید فرموده: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^{۱۳} خدا همه را خوب تربیت کرده، همه را خوب ساخته، «مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ»^{۱۴} تو خودت بودی خودت را خراب کردی، شیطان

۱۳- سوره حجرات، آیه ۱۳.

۱۴- سوره نساء، آیه ۷۹.

یک تکبر کرد، یک ظاهربینی کرد، ما نکند ظاهربین باشیم، ما نکند خدای نکرده به قدرت، به ثروت، به مکنّت، به قیافه، به این گونه مسایل نگاه کنیم، والاّ همان کار شیطان را کردیم، منتها شیطان خیلی شخصیتش بالاتر بود خدا رویش حساب باز کرد ولی برای ما حسابی باز نمی‌کند، زود هم عفویمان می‌کند، زود هم از ما می‌گذرد.

خدا ربّ است، همه‌ی موجودات را تربیت کرده، «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»^{۱۵} خدا همه‌ی اشیاء را هدایت کرده است؛ ای فرعون می‌دانی پروردگار من چه کسی هست؟ آن کسی است که همه‌ی اشیاء را خلق کرده و تربیتشان کرده

۱۵- سوره طه، آیه ۵۰.

و خلقتشان را به آن‌ها داده است، خلقتشان را به آن‌ها داده یعنی چه؟ یعنی اگر بنا باشد شما یک مبلی بسازید، این مبلی را هر چه لازم دارد برایش درست می‌کنید، یک کارخانه‌ای را بنا شد شما بسازید، نمی‌شود صد تا پیچ، صد تا مهره، امثال این‌ها را درست نکنید برایش؟ نه، همه‌اش را درست کردید راه افتادید و بهترین هم شدید، شما را هم خدا همین طور خلقتان کرده، این معنای ربوبیت پروردگار است، شما را آن چنان خلق کرده و آنچه را که لازم بوده در هفته‌های گذشته عرض کردم به شما تعلیم داده که شما مانند انبیاء باشید. در عالم میثاق خدای تعالی همه‌ی بشر را جمع کرده، همه را، به آن‌ها فرمود که در دنیا دل نبندید یک مجلس امتحانی است که می‌خواهیم شما را امتحان کنیم.

۸- دنیا جلسه امتحان

در جلسه امتحان به دانش آموز می آیند یک مقداری شکلات می دهند، یک مقداری شیرینی می دهند، یک رفیقی که با این گرم بگیرد کنارش می گذارند تا ببینید این دانش آموز به فکر درسش هست یا نیست؟ یک دانش آموز زرنگ شیرینی را می گیرد حتّی به صورت آن کسی که شیرینی داده نگاه نمی کند، به رفیق بغل دستش نگاه نمی کند، من خودم در یک امتحانی بودم یکی از دوستان پهلوم نشسته بود تا آخر امتحان من ندیدمش، نگاهش نمی کند مبادا حواسش پرت شود، استفاده ای که نمی توانیم از او بکنیم والاّ تقلّب می شود، اما ممکن است همین من از همه چیز غافل کند، به سقف

اتاق یا محلی که امتحان می‌کنند نگاه نمی‌کند، حالا سقف کلی نقش و نگاری شده، اصلاً نگاه نمی‌کند، اهمیت نمی‌دهد که این صندلی زیر پایش چگونه است؟ شکسته است؟ قیمتی است؟ پر ارزش است، نه، همه‌اش، تمام حواسش به ورقه‌ی امتحانی است ما هم در دنیا باید این طوری باشیم، تمام حواس مان به ورقه‌ی امتحانی مان باشد حتی اگر خانه می‌سازید، اگر مغازه می‌روید، همه‌ی این‌ها باید در راه خدا و به خاطر امتحانت باشد، حالا اگر یک جوانی که می‌خواهد مهندس راه و ساختمان بشود این در جلسه‌ی امتحان نقشه‌ی ساختمان را خوب کشید این امتحانش را خوب داده است.

۹- اهمیت آبادانی زمین

یکی از کارهایی که خدای تعالی در دنیا که من هم زیاد به دوستانم توصیه می‌کنم در دنیا دستور داده باید مردم مسلمان و مطیع پروردگار انجام بدهند، «أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»^{۱۶} طلب آبادی می‌کند از شما در روی زمین، زمین را آباد کنید، این که می‌خواهی خانه ساخته کهنه را بخری یک خانه زمین بخر، ساختمان بساز، بگذار دیگران استفاده کنند. آنی که می‌خواهی باغ کامل پر میوه بخری، یک زمین بخر تویش درخت بکار، میوه بده برای دیگران. یک پیرمرد هشتاد ساله بود تازه یک زمینی خریده بود و نهالکاری می‌کرد بعد از چند

۱۶- سوره هود، آیه ۶۱.

سالی هم فوت کرد، من آن موقع از او پرسیدم تو چرا این قدر زحمت می‌کشی؟ گفت: کاشتند و ما خوردیم و می‌کاریم دیگران بخورند. می‌فهمید، این قدر تن‌پرور و یک گوشه نشسته، مگر کسی باشد از علماء، روح مردم را دارد می‌سازد و کارش این است، آن بحث دیگری داریم اما تویی که کار دیگری نداری این طوری انجام بده، ربّ باش، مربّی باش، مربّی زمین باش، مربّی ساختمان باش، مربّی فرزندان باش، مربّی اهل و عیالت باش، مربّی دوستان باش و مربّی کلّ عالم، مانند حجة بن الحسن ارواح‌نفاذ باش. اینکه می‌گویید: ما را از یاران امام زمان قرار بده، یعنی چه؟ یعنی ما که شخصاً نمی‌توانیم این کار را بکنیم پس در کنار او باشیم که او که می‌کند ما هم کمکش باشیم، اینکه روز جمعه در

دعای ندبه آن طور اشک می ریزی و یک ملاقات از آن حضرت می خواهی فقط می خواهی چشم و ابروی حضرت را ببینی؟ بسیار خوب، امّا این کم است، خود امام زمان هم راضی نیست، ملاقات بکن، برنامه بگیر، همان طور که او ربّ العالمین است، همان طوری که خدای تعالی ربّ العالمین است تو هم آرزوی ربّ العالمین بودن داشته باش، مربّی باش، معلّم باش، حالا بعضی ها خیال می کنند معلّم باش یعنی برو سر کلاس اول دبستان یا دانشگاه، این هم یک نوع مربّی بودن است امّا مربّی روح مردم باش، مربّی مردم کروی زمین باش، فکرت را بالا ببر.

شما کمتر از ذوالقرنین که نیستید. از نظر ذات عرض می کنم نه از نظر الان و مقام. که در قرآن خدایتعالی وصفش را کرده.

از مشرق تا به مغرب عالم را تسخیر کرد در سوره‌ی کُهِف،
اینکه می‌گوییم سوره‌ی کُهِف را بخوانید به خاطر این است
که در دنیای تان مثل ذوالقرنین باشید، در آخرت تان مثل
اصحاب کُهِف باشید، ذوالقرنین دنیا را گرفت، اصحاب
کُهِف دنیا را ول کردند؛ هر دو جنبه را با هم داشته باش، هر
دوی آن ممدوح است، از نظر پروردگار مدح شده، ما جزء آن
بیچارگانی نیستیم که به اسم تصوف یا به اسم‌های دیگر و
متأسفانه این تهمت هم به من هم می‌زنند و حال اینکه اگر
بیایند با خود من معاشرت کنند، می‌فهمند که صد درصد به
عکس است، ما مثل آن‌ها نیستیم که دنیا را ول کنیم برویم
بچسبیم به آخرت، دنیا هم جز دستورات خدا است که
آبادش کنیم، آخرت مان را هم باید آباد کنیم، زندگی مان هم

باید کاملاً به آن برسیم، می‌گویید: نمی‌توانم. ضعیفی،
استقامت داشته باش، قدرت داشته باش، قوی باش.

نمی‌توانم در زندگی یک بشر نباید وجود داشته باشد. به یکی
از دوستان می‌گفتم که هیچ وقت نگو من ندارم، من
نمی‌توانم، اگر به تو گفتند این خانه را مثلاً یک میلیارد
قیمتش است می‌خواهی بخری، می‌خواهی بخری، بگو: بله
ولی الان مصلحت من نیست. اگر مصلحت باشد و اسراف
نباشد، خدا فوراً پولش را می‌گذارد در کف دستت. می‌گویند:
نه برنامه‌های زندگی‌تان را همین‌جوری درست کنید، یعنی
چیزی که مصلحت‌تان نیست و اسراف هم در زندگی‌تان
نیست؛ این دوتا چیز را عمل کنید می‌بینید خدا ردیف
می‌کند کارهایتان را یا نه؟ من به شما همه‌تان توصیه می‌کنم

که هیچ وقت نگویید: نمی‌توانم، می‌توانید، همه کار را می‌توانید، چون بشر هستید، بشر را خدا یک مغز به او داده، حیوانات پرنده را خدا به آن‌ها دو تا بال فقط داده می‌روند در آسمان‌ها، بشر هم خیلی دوست داشت برود در آسمان‌ها پرواز کند خدای تعالی به او عقل داده، فکر داده است، خودش که سهل است، صدها تن آهن و آلات را با چهار صد و پنجاه نفر آدم می‌برد بالا و سالم هم فرود می‌آورد. ببینید چه دارید شما! ولی امروز به بستر لا خفتی، دستت را از دامن امام زمانت که مظهر قدرت پروردگار است کوتاه کردی، به قدرت جزیی خودت متکی شدی، به فکر خودت که در یک محدود خیلی محدود به آن متکی شدی، من آن کسی هستم که ظرف بلام بشورم، من آن کسی هستم که... حتی فکر نکنید

خانم‌ها من مقید که بگویم: توی خانه بیاید بنشینند
نمی‌گویم: این‌ها بیکار باشند، اهل علم باشند.

۱۰- اهمیت تربیت فرزند

و از همه‌ی کارهای مهمی که هم مرد و زن باید به آن اهمیت
بدهند، تربیت بچه است، خیال می‌کنند تربیت بچه، چون
بلد هم نیستند تربیت بچه، خیال می‌کنند تربیت بچه این
است که مثلاً یکی بزنند توی سرش بگویند یک گوشه
بنشیند، تربیت باید بکنید، یک ضبط صوتی خدا گذاشته
است در اختیار، ضبط صوت است، آن از لحظه‌ای که
متولد می‌شود دارد ضبط می‌کند تا وقتی که به زبان می‌آید، تا
وقتی که تا همیشه، دقت کردید، خب تو با این ضبط صوت

چه پرکردی، نشسته‌اید دو طرف بچه، پدر به زن، زن به پدر، به مادر فحش داد او هم یاد گرفت، ضبط کرد، حالا بزرگ شده این فحش‌ها را از کجا یاد گرفته است؟ از تو، ماک‌ی فحش دادیم تو یادت نیست. باور کنید این طور است، این بداخلاقی را از کجا یاد گرفته است؟ از تو یاد گرفته است. بچه‌ای که از شکم مادر درآمده و تازه راه افتاده و دو سال بیشتر ندارد این اخلاقیات و این صفات یعنی چه؟ از تو یاد گرفته، هیچ به فکر نیستید، ربوبیت نداریم، طوری عمل کنید با فرزندان‌تان که وقتی که بزرگ شد، در قنوت نمازش بگوید: «رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»^{۱۷} من کوچک که بودم، این‌ها

۱۷- سوره اسراء، آیه ۲۴.

من را تربیت کردند، خدایا! ای پروردگار من؛ آن‌ها را مورد رحمت قرار بده همان طوری که من وقتی کوچک بودم این‌ها من را تربیت کردند، امّا وقتی مربی این طوری شد، من در کتاب «سیر الی الله» در همان مرحله‌ی یقظه قضایایی نوشته‌ام که وقتی بچه بزرگ می‌شود فقط باید بگوید که شیطان من را تربیت کرد، من را خواب کرد، من را از خدا دور کرد، و این طور.

۱۱- اهمیت ماه ذیقعدة

روز جمعه است، دل‌ها را متوجّه حضرت بقیة الله بکنید، جمعه‌ی اوّل ماه ذیقعدة الحرام است، ماه‌های حرام از این ماه شروع می‌شود، ماه‌های بسیار محترم، «فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ

أَنْفُسَكُمْ»^{۱۸} در این ماه‌ها به خودتان ظلم نکنید، مبادا گناه بکنید که گناه در این ماه‌ها از آیات قرآن استفاده می‌شود که عذابش بیشتر است، این ماه متعلق به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است، یازدهم این ماه تولد پربرکت آن وجود مقدس است، بیست و سوم و بیست و پنجم این ماه زیارتی مخصوص حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است و آخر این ماه همان طوری که اوّل این ماه تولد حضرت معصومه علیها السلام بود، آخر این ماه هم شهادت امام جواد علیه السلام فرزند عزیزش است، لذا ماه امام هشتم است، ماه علی بن موسی الرضا علیه السلام است.

۱۸- سوره توبه، آیه ۳۶.

«السَّلامُ عَلَى مَنْ أَمَرَ أَوْلَادَهُ وَ عِيَالَهُ»^{۱۹} سلام بر آن آقای که وقتی می خواست از مدینه حرکت کند اهل و عیالش را امر کرد بیاید بر غربت من گریه کنید، می خواست اعلام کند که من از این سفر بر نمی گردم، «السَّلامُ عَلَى الْإِمَامِ الرَّئُوفِ»، سلام بر امام مهربانی که «الَّذِي هَيَّجَ أَحْزَانَ يَوْمِ الطُّفُوفِ»^{۲۰} آن کسی که مصایب روز عاشورا را ظاهر کرد، فرمود: «يَا بَنَ شَبِيبِ» ای پسر شبیب، «إِنْ كُنْتَ بَاكِياً لِشَيْ فَاْبُكْ عَلَى جَدِّي الْحُسَيْنِ»^{۲۱} اگر خواستی به چیزی گریه کنی، بر جدم حسین

۱۹- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۵۲.

۲۰- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۵۵.

۲۱- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۰۲.

بن علی گریه کن. «السَّلامُ عَلَیکَ یا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیکَ
یا بَنَ رَسُولُ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ».

«نسئلك الله و ندعوك باعظم اسمائك و بمولانا صاحب
الزمان یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله، اللهم عَجِّل
لولیک الفرج و العافیة و النَّصر و مُدِّ فی عمره الشریف و زین
الارض بطول الابقاء» خدایا همه‌ی ما را از یاران خوب آن
حضرت قرار بده، ما را به معرفت خودت نایل بفرما

پروردگارا به آبروی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام
قسمت می دهیم مشکلات مسلمین بالاخص شیعه را برطرف
بفرما، حوائج این جمع را برآور، پروردگارا مشاهد مشرفه عراق را
از دست ظالمین و حمله‌ی ظالمین حفظ بفرما

خدایا به آبروی ولیعصر زیارت ابی عبدالله الحسین
علیه السلام و زیارت قبرش، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام
و زیارت مرقد مطهرش را نصیب همه مان بفرما، خدایا حج
خانه ات را نصیب همه مان بفرما، پروردگارا به آبروی ولی عصر
مشکلات همه ی این جمع را، حوایج این جمع را برآور،
مشکلاتشان رفع بفرما «و عَجَّلْ فِی فَرَجِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ».